

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرين رضاعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۲۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۵ مهر ۱۳۸۵، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان

نیروهای انتظامی مانع تجمع مردم در مقابل سازمان ملل در تهران شدند

پدر کبرا رحمانپور و زهر حقیقت پژوه قطعه نامه خود را تقدیم دفتر سازمان ملل کردند و خواهان تلاش این سازمان برای آزادی عزیزانشان شدند



ساعت ۵ تا ۷ عصر روز یکشنبه مقابل دفتر سازمان ملل، محل مقاومت و تلاش انسانهایی بود که در همراهی و حمایت از خانواده کبرا رحمانپور و فاطمه حقیقت پژوه و شهلا جاهد و نازنین فاتحی آمده بودند که به اعدام اعتراض کنند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند. در جبهه صفحه ۲

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

منصور حکمت

صفحه ۳



اسماعیل مولودی

چرا باید سران رژیم اسلامی را تحت پیگرد و محاکمه قرار داد!

حکومت اسلامی در ادامه تصمیم و بناند بازی سیاسی کشورهای اروپایی و آمریکا در سال ۱۳۵۷ سر کار آمد. برای خفه کردن و به بیراهه بردن جنبش برابری در ایران. ادامه این وضعیت منجر شدن به سرکار آمدن حکومتی هار و ددمنش اسلامی که ۲۸ سال است با ترور شکنجه، اختناق و آپارتاید جنسی سرکار مانده است. وضعیت سیاسی دنیا بدنبال نظم نوین جهانی امکان داده

شريك شده و هر دو، دو قطب تروریستی را در دنیا بوجود آورده اند که هیچ ربطی به مردم ندارند. در این فضای اختناق سیاسی جمهوری اسلامی بزور شکنجه و اعدام دارد به سفاکیت و حکومت

صفحه ۴

در حاشیه سخنان شیرین عبادی در سوئد



سوسن صابری

نیز میگردن ابراز نظر بعنوان مبارز حقوق بشر" را در مقابل ایشان قرار داد. موضوع سمینار عبادی کتابش، ایران من بود. تا جائیکه به حقوق بشر و حقوق مدنی مردم در ایران مربوط میشود، حرف تازه ای نداشت. همان آواز قدیمی اسلام با حقوق بشر تناقض ندارد را سر داد.

هفته آخر ماه سپتامبر امسال، نمایشگاه بین المللی کتاب در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. امسال تم نمایشگاه، آزادی بیان بود که حول آن دهها سمینار سازمان داده شده بود. سخنران یکی از این سمینارها شیرین عبادی بود. همان سیاستها و اهدافی که پشتوانه اهدای جایزه نوبل، به وی بود، در این نمایشگاه

صفحه ۲

کارگران نساجی بوکان سه ماه حقوق نگرفته اند

کارگران را در آورند حقوق آنان را پرداخت کنند. وی تصریح کرد: ما به التفاوت حقوق کارگران از سال ۸۳ پرداخت نشده و هر زمان به کارفرمای شرکت مراجعه می کنیم همیشه با یک نه بزرگ مواجه می شویم. این شرایطی که نماینده کارگران نساجی بوکان توضیح داده است شرایط حاکم بر کارخانه های نساجی در همه شهرهای کردستان و به درجاتی ایران است. در دو سال گذشته تا کنون ما شاهد اعتراض و مبارزه مستمر کارگران نساجی

بر اساس گزارش خبرگزاری کار ایران- ارومیه کارگران این کارخانه دستمزد و مزایای سه ماه خود را نگرفته اند. نماینده کارگران اعلام کرده است که حقوق و مطالبات کارگران نساجی بوکان پرداخت نشده است! این نماینده از عدم پرداخت حقوق و مزایای کارگران ظرف ماههای خرداد - تیر - مرداد به شدت انتقاد کرده و گفت گفته است: این وضعیت مشکلات کارگران را دو چندان کرده و مسوولین این کارخانه نیز یاد گرفته اند که بعد از اینکه آه

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

در حاشیه سخنان . . .

از تفسیرهای مختلف از اسلام در سطح جهان گفت و اینکه تفاوت در اجرای اسلام در کشورهای مختلف با حکومت‌های اسلامی، بدلیل تفاسیر مختلف رهبران مذهبی و دولت‌مردان آن کشورهاست. به ادعای وی اشکال نه در مذهب و در اسلام بلکه در تفاسیر نادرست از آن است و در اثبات "تنویرش" بعنوان نمونه دو کشور عربستان سعودی که در آن زنان حتی حق رانندگی ندارند را با بنگالادش اسلامی و نخست وزیر زنش مقایسه کرد. و نتیجه ای که میگرفت طبیعتاً حفظ اسلام و دخالت اسلام در زندگی مردم، اما از نوع "شیرین" آن بود. تمام هدف خارج کردن اسلام از زیر ضربه مدرنیسم و سکولاریزم است. از زمانی که خانم عبادی جایزه صلح غرب با اسلام سیاسی را گرفت، چند سالی می گذرد. تا آنجا

بیآورد. هرچند بخش دوراندیش تری از جنبش ایشان، جنبش ملی اسلامی، تحت فشار رادیکالیزه شدن مبارزات و اعتراضات و رشد جنبش خلاصی فرهنگی در ایران دست از تقسیم اسلام به خوب و بد کشیده و با هدف سوار شدن بر این موج سعی در سکولاریست شدن دارد. اما خانم عبادی همان ساز قدیمی اش را میزند. وی آگاهانه حقایق را تحریف کرده و تفاوت قوانین اسلامی و نحوه اجرای آن در کشورهای مختلف اسلام زده را به حساب تفاسیر مختلف میگذارد. زمینه های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی موجود در جوامع مختلف بعنوان فاکتورهای مهم و بعضاً تعیین کننده ی امکان پذیری و یا عدم امکان پذیری تحمیل قوانین اسلامی را کاملاً آگاهانه نادیده میگیرد. جمهوری اسلامی همان طالبان است. حکومت‌گرایان جمهوری اسلامی آرمانشان و خواست واقعی شان پیاده کردن همان

قوانین و نرمها و ارزشهایی است که طالبان بدان متوسل شده بود. اما نتوانستند. نمیتوانند و نخواهند توانست. سکولاریزم، فرهنگ مدرن و خواست عمومی بدور انداختن سنن و نرمها و ارزشهای کهنه و عقب افتاده سنتی و مذهبی در ایران قوی تر از آن بوده و هست که حتی جمهوری اسلامی تا دندان مسلح را در پیشبرد سیاست اسلامی کردن جامعه موفق کند. ۲۷ سال است که بزور اسلحه و زندان و شلاق، بزور مغزشوئی اسلامی تلاش می کنند. تلاش شان کاملاً ناکام مانده است. این شکست به یمن مقاومت عمومی جامعه و در تقابل با هرگونه تفسیری از اسلام به جمهوری اسلامی تحمیل شده است. خانم عبادی نمیخواهد این فاکتور مهم را برسمیت بشناسد. ایشان در این سمینار در رابطه با احتمال حمله نظامی امریکا نیز رگ ملی اسلامی و توده ایستی اش بلند میشود. پرچم دفاع از میهن

اسلامی را بلند می کند: " ما به حکومت خود انتقاداتی داریم، ولی اجازه نخواهیم داد که امریکا به ایران حمله کند". و این در عمل یعنی در کنار حکومت صدهزار اعدام، حکومت زندانهای سیاسی، حکومت ضد زن و حکومت فقر و فلاکت اسلحه بدوش خواهم گرفت. حمایت از اسلام سیاسی و قطب ترویسیم اسلامی در تقابل با ترویسیم دولتی و میلیتاریسم امریکا و شرکا، یکی از مشخصات اکثریت ملی اسلامیهها و به اصطلاح چپهای ضد امریکایی ایرانی و اروپایی است. خانم عبادی حرف تازه ای نگفته است. سخنان ایشان در سمینار نمایشگاه بین المللی نه تنها یکبار دیگر ماهیت گرایش ملی اسلامی و "شخصیتهایش" را به نمایش گذاشت بلکه ثابت کرد که شخص شیرین عبادی از بخشی از جریان خود نیز عقب افتاده تر است.

از صفحه ۱

نیروهای انتظامی مانع تجمع . . .

مقابل نیروهای سیاه و سرکوبگر رژیم از لباس شخصی و اونیفورم پوش و اطلاعاتی های رژیم جنایتکاران مجهز به همه وسائل سرکوب حضور داشتند تا قدرت نمائی کنند و از دم و دستگاه مرگ و سرکوب و جنایت رژیم شان دفاع کنند. دو ساعت تمام صدها نفر از مردم مصمم و پرشور در محل بودند تا تجمع خود را برگزار کنند و بارها تجمع خود را شروع کردند و هربار تلاش آنها با حضور نیروهای انتظامی عقب رانده شد. نیروهای سرکوب بیش از ۱۰ نفر را دستگیر کردند، به عده ای توهین کردند و عده ای را مورد تهدید قرار دادند و مانع برگزاری تجمع شدند. علیرغم همه اینها خانواده های محکومین به اعدام، پدر کبرا و سه نفر همراش و زهرا دختر فاطمه حقیقت پژوه خود را به دفتر سازمان ملل رساندند، قطعنامه خانواده ها و تجمع کنندگان را به دست مسئولین سازمان ملل رساندند و پدر کبرا از طرف خانواده ها با مقامات این سازمان صحبت کرد و خواهان تلاش

فعالیت های گسترده ای در داخل کشور و در سطح بین المللی انجام شده است، آکسیونهای متعددی در کشورهای مختلف برگزار شده است، نامه های کبرا و پدرش به زبانهای مختلف ترجمه شده و به وسیعترین شکلی در اختیار سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان و نهادهای بین المللی قرار گرفته است. در انگستان در تجمع هزاران نفره در منچستر پوستر کبرا و سایر قطعنامه علیه اعدام او و سایر محکومین به اعدام وسیعاً مورد توجه مردم قرار گرفته است، در نمایشگاه کتاب در گوتنبرگ سوئد به مدت چهار روز عکس و پوستر و نامه کبرا در معرض دید دهها هزار نفر قرار گرفته و استقبال وسیعی از قطعنامه برای آزادی کبرا و نازنین و شهلا و فاطمه شده است، در سوئد و آلمان و کانادا و استرالیا و آمریکا با برپائی میز و آکسیون در مراکز شهرها و یا از طریق رسانه ها اعتراض به احکام جنایتکارانه اعدام در ایران به گوش مردم زیادی رسیده و دو اتحادیه کارگری در استرالیا در نامه به سفیر جمهوری اسلامی شدیداً حکومت اسلامی را محکوم

کرده و خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی کبرا و پایان دادن به آپارتاید جنسی و بربریت علیه زنان شده اند. در داخل کشور تعدادی از دانشجویان آزادیخواه و تعدادی از تشکلهای دانشجویی، فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بسیاری از زنان آزادیخواه، تعدادی از وکلای مخالف اعدام، جمعی از فعالین کارگری در پتروشیمی های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر و بسیاری از فعالین کارگری از مراکز مختلف در تهران و برخی شهرستانها و تعداد قابل توجهی از مسئولین سایتهای اینترنتی، به اشکال مختلف در کمپین نجات کبرا شرکت کرده اند. اینها گوشه بسیار کوچکی از موج حمایتی است که در همه جا برای نجات جان محکومین به اعدام براف افزاده است.

حاضر در محل دستگیر شدند و به کلاتری ۱۲۸ قلهک منتقل شدند. خبرگزاری اپلنا وابسته به رژیم خبر از دستگیری ۳۰ نفر از تجمع کنندگان داده است. مبارزه برای لغو حکم اعدام کبرا، نازنین، شهلا و فاطمه و لغو مجازات اعدام بطور کلی در کنار مبارزه برای آزادی کلیه دستگیر شدگان تجمع یکشنبه ادامه خواهد یافت. مبارزه علیه اعدام در ایران و در سطح بین المللی تکیه گاه قدرتمندتری در میان مردم متمدن و آزادیخواه یافته است. این مبارزه باید هرچه وسیعتر گسترش یابد. این بخشی از مبارزه آزادیخواهانه مردم در ایران و در سطح بین المللی برای رهائی از شر حکومت جنایتکار و منحوس اسلامی است.

**مجازات اعدام لغو باید گردد
حکم اعدام کبرا، شهلا، نازنین
و فاطمه باید لغو شود و هر چه
سریعتر آزاد شوند
مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری،
حکومت کارگری**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مهر ماه ۱۳۸۵
۲۴ سپتامبر ۲۰۰۶**

مجازات اعدام شیع ترین شکل قتل عمد است

خاوران: حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچایشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارعاب میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنس گرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولت ها شهروندانشان را میکشند. باید جلوی این را گرفت. میسرید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

خاوران: با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

منصور حکمت: سوال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سوال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کرده اند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافته اند. اما مجازات اعدام ربطی به مساله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکشند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول

خاوران: حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجه گرانی که در درگیریها اسیر می شوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

منصور حکمت: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

خاوران: با اعدام نکردن قاتل،

عدالت درباره ی خانواده مقتول چگونه اجراء می شود؟

منصور حکمت: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقب مانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکار ناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، دربدر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند اژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست.

خاوران: آیا با لغو مجازات اعدام، درجه ی جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

منصور حکمت: خیر. برعکس. همانطور که گفتم همان اول کار جلوی یک لیست بالابلند قتل های دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفه ای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاندیناوی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل (به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکاست.

خاوران: بنظر شما مجازات

جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

منصور حکمت: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت آموزانه باید لغو شود. باید بجای برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازیانہ بزند.

خاوران: اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در آنصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی گناه کشته شده اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

منصور حکمت: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببست هایی که به اهداف غیر نظامی حمله

کرده اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلائل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ردیف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان تیموتی مک وای که در اوکلاهما آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمی بینم.

خاوران: اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟

منصور حکمت: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکف ها و بن لادن ها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

خاوران: اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

منصور حکمت: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. و این فقط موضوعی میان دولت ها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق

از صفحه ۱

چرا باید سران رژیم اسلامی ...

آپارتاید جنسی ادامه میدهد. در نتیجه همگی دست اندازکاران و معماران و کاربدستان بالای این ماشین جنایت و سببیت باید محاکمه شوند و در مقابل دنیای متمدن جوابگوی جنایات قرون وسطی خود شوند. به خاوران نگاه کنید. به گورهای دستجمعی که سند جنایت بیش از سه دهه حکومت اسلامی در ایران است. به وضعیت زنان و دختران و جوانان در ایران جمهوری اسلامی نگاه کنید. بقرول خبرنگار روزنامه سوئدی که دو ماه پیش از تهران خبر میداد نوشت زنان در ایران و کلا مردم در ایران دو زندگی دارند. یکی در محیط خانه است که فضای صمیمی و دوستان بین زن و مرد است و دیگری فضای اختلاف جنسی است که به عینه آدم را یاد قرون وسطی میاندازد. زن باید چادر سر کند و در اتوبوس در قسمت پشت بنشیند. وقتی به گزارش این خبرنگار و یا همه کسانی که از خارج به جامعه ایران نگاه کنید. بعینه میبینید هویت جمهوری اسلامی با آپارتاید

جنسی تعریف میشود. یعنی نصف افراد جامعه را به هیچ شمردن. هویت انسانیشان را از بین بردن و کلا بعنوان درجه دوم در جامعه حساب کردن. این مسئله در کلیه شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رسماً و آشکارا نمایان است. قوانین مدنی جمهوری اسلامی زن را بعنوان جنس درجه دوم میشناسد و میگوید اگر زنی میخواهد صاحب یک مغازه یا رستوران شود باید مباشر مرد داشته باشد و رسماً در سند خرید از مباشر نام ببرد. یعنی، زن همیشه با صاحبش و یا مباشر مردش تعریف میشود. کودکان بخاطر فقر خانواده هایشان از دوران کودکی خود محروم هستند. زندگی کودکی خود را در کارگاهها، دستفروشی و ماشینشوری و یا گدایی سپری میکنند. بارها شنیده شده که پدری تمام افراد خانواده اش را کشته و بعد خود خودکشی کرده است.

در قوانین کار هیچ اسمی از برابری زن و مرد بعنوان انسان نیست. در مزد برای کار مساوی

همیشه زنان ۶۰ درصد مرد حقوق میگیرند و این تازه در کارخانه ها و مراکز است که قانون کار شاملشان میشود. قانون کار شامل کارگاهها و مراکز میشود که بیش از ۱۰ نفر کارگر دارد. حال به مراکز کوچک بیاندیش که چه وضعیتی است. در جمهوری اسلامی قوانین ترقیخواهانه و دستاوردهای بشر مدرن مثل برابری زن و مرد یا رعایت حقوق فردی و اجتماعی انسانها اصلاً نادیده گرفته میشود. جمهوری اسلامی با تحمیل فقر مفرط به مردم ایران. باعث شده که خانوادهها کودکان خردسال خود را بیبازار کار بفروشدند. هزاران دختر و زن در خرید و فروش و نیز انواع و اقسام سوئی استفادهها زندگیشان به تباهی کشیده شده. قاچاق انسان و مواد مخدر یکی از منابع درآمد کاربدستان رژیم و سود فراوان آن به جیب دولت میرود. در جریان جنگ ایران و عراق میلیونها انسان ناقص شده اند و میلیونها جان خود را از دست دادند. هنوز بارقه توحش جنگ بر چهره میلیونها ایرانی سنگینی میکند. باعث این همه بدبختی و اختناق و فقر رژیم

جمهوری اسلامیت. سرایای کاربدستان این ماشین جنایت از ابتدا تاکنون باید در دادگاه مردم ایران و جهان محاکمه شوند.

جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت هار مذهبی منطقه و کل دنیا را در بازی خطرناک اتمی درگیر کرده و همقطار این جنایت آمریکا و کشورهایی هستند که این ماشین جنگی را هر روز بنوعی حدادی مینمایند. این دو قطب تروریست و جنایتکار یعنی آمریکا و متحدینش از یک طرف جمهوری اسلامی و تروریستهای اسلامی سیاسی از طرف دیگر دنیا را در یک مرحله خطرناک و ترس قرار داده اند. بنابراین مرکز پیگرد که یک مرکز دفاع از حقوق انسانی مردم ایران و نیز بر ملاکننده جنایات و توحش جمهوری اسلامی است تلاش میکند که افکار عمومی دنیا و بخصوص مردم ایران را در وهله اول از جنایات رژیم اسلامی با جمع کند. در وهله دوم این مرکز با جمع آوری اسناد و مدارک و نیز شاهدان عینی که خود بنوعی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته اند تلاش مینماید که پروسه پیگرد و

محاکمه سران جمهوری اسلامی را در دادگاههای بین المللی مطرح و برای ایجاد آن میکوشد.

مردم آزاده!

جنایات جمهوری اسلامی هر چی باشد ما میتوانیم بدان خاتمه دهیم. ما میتوانیم افکار عمومی مردم دنیا را متوجه اوضاع ایران کنیم. ما باید بخواهیم که دستگاه جنایت و آپارتاید جنسی لایق بشر مدرن نیست. باید بخاطر همین بخاطر برقراری آپارتاید جنسی که رژیم اسلامی در ایران برقرار کرده مثل مردم آفریقای جنوبی چگونه حکومت آپارتاید را بزیر کشیدند حکومت آپارتاید جنسی در ایران را بنابودی بکشانیم. با ارسال مدارک و اسناد جنایات جمهوری اسلامی برای این مرکز مارا در پیشبرد کارمان یاری دهید.

اسماعیل مولودی

مسئول حقوقی مرکز پیگرد و محاکمه سران جمهوری اسلامی ایران
اول مهر ۱۳۸۵

از صفحه ۱

کارگران نساجی بوکان ...



تولیدی را بیش از پیش با هم هماهنگ کنند. شرایط دشوار کارگران و عدم پرداخت حقوقها و سیاست بیکار سازی و قرار دادهای موقت در این رشته تولیدی همه کارگران را در موقعیت سختی قرار داده است. نمایندگان کارخانه های این رشته تولیدی برای رهایی از این بی حقوقی که کارفرما و دولت به آنها تحمیل میکنند لازم است اقدامات مشترک و هماهنگی را در دستور فعالیت خود قرار دهند. کارفرما حمایت دولت و ارگانهای سرکوب را با خود دارد. کارگران بدون یک اقدام قدرتمند و هماهنگ به سختی میتوانند خواسته های خود را به آنها تحمیل کنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران مرگ بر سرمایه

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مرداد ۱۳۸۵

کردستان، شاهو و پرریس در سنندج بوده ایم. در دیگر شهرهای ایران هم این اعتراضات بطور برجسته ای در اصفهان و شیراز و ... ادامه داشته است. کارگران این رشته نه تنها با تعویق حقوقشان زندگی به مراتب سخت تری را تحمل میکنند، با سیاست اخراج و بیکار سازی هم روبرو شده اند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و نمایندگان این کارخانه ها را به اتحاد و همبستگی فرامیخواند. نمایندگان این مراکز تولیدی میتوانند مبارزات این رشته

از صفحه ۳

مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است

خاوران: علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟

منصور حکمت: اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئنم پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

این مطلب در شماره ۷ فصلنامه خاوران، نشریه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران، پائیز ۱۳۷۹ با عنوان "چرا مجازات اعدام؟ نگاه منصور حکمت به مقوله لغو اعدام" بچاپ رسیده است.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۲۶
۱۳ آبان ۱۳۷۹ - ۳ نوامبر ۲۰۰۰

اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتواند قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!